

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لاری رومانوف
برگردان از: طلحه حسنی
۰۴ اگست ۲۰۲۱

نگاهی به برخی واقعیات و شواهد دیروز و امروز

یک بررسی ضروری و به هنگام بر پایه داده ها
بخش سوم: گسترش جغرافیائی سلاح های بیولوژیک



نکته قابل توجه این که، وجود پایگاه های نظامی در نقاط مختلف جهان، سلاح های تهاجمی و سیستم های حمل و نقل، و نزدیکی فیزیکی تا نهایت ممکن به دشمنان بالقوه، شروع جنگ بیولوژیک به مثابه جنگ متعارف به شکل قابل ملاحظه ای آسان شده است. به این دلیل است، - حصول اطمینان از توانائی زیر حمله گرفتن دشمن در کمتر از ۳۰ دقیقه در هر جای دنیا، - که ایالات متحده دارای نزدیک به هزار پایگاه نظامی خارجی است. بروشنی، همان ستراتیژی برای جنگ بیولوژیک نیز به کار رفته است، و ارتش ایالات متحده با ادعای «حسن نیت»، آزمایشگاه های متعددی از این دست را به عنوان «زیرساخت های ایمنی و سلامت» در کشورهای دیگر ایجاد کرده است.

واقعیت باور نکردنی این که، اطلاعات تأسیسات بیولوژیک در کشورهای دیگر به عنوان اطلاعات «فوق محرمانه» طبقه بندی شده اند و دور از دسترس مراکز اطلاعاتی و نظارتی دولت کشوری هستند که این تأسیسات در آنجا بنا شده است. واقعیت تکان دهنده این که شیوع ایبولا تماماً در نزدیکی تعدادی از این آزمایشگاه های (فوق محرمانه) سلاح های بیولوژیک مشهور ایالات متحده در افریقا آغاز شد.

خبر بسیار وحشتناک دیگر زمانی بود که دانشمندان امریکائی دوباره ویروس آنفلوآنزای اسپانیولی را تهیه کردند، آنفلوآنزائی که در سال ۱۹۱۸ نزدیک به ۵۰ میلیون نفر را کشت. آنها تا رسیدن به این تولید نه سال وقت صرف کردند،

و حالا مقدار معتناهی از این ویروس در آزمایشگاه‌های فوق امنیتی دولت ایالات متحده در آتلانتا و جورجیا انبار شده است. همین اخیراً، دانشمندان نوع فوق جهشی ویروس مرگبار آنفلانزای مرعی H5N1 با نرخ حداقل ۵۰ درصد مرگومیر را که مستقیماً بین انسان‌ها قابل انتقال است، ساختند که در سال ۲۰۰۵، موجب وحشت از یک همه‌گیری جهانی و احتمال مرگ صدها میلیون نفر گردید.

اواخر سال ۲۰۱۳، بیش از ۵۰ نفر از برجسته‌ترین دانشمندان جهان تحقیقات ران فوشنیر و همکاران او را در مرکز پزشکی اراسموس در روتردام به شدت مورد انتقاد قرار دادند. آنها مشغول پرورش انواع جهشی ویروس آنفلانزای مرعی H5N1 بودند که برای انسان بسیار خطرناکتر است. دانشمندان منتقد نوشتند که این تحقیق بدین منظور طراحی شده که ویروس را بین انسان‌ها کاملاً قابل انتقال نمایند و بروشنی دارای کاربرد دوگانه نظامی و غیرنظامی است. این آنفلانزای مهندسی شده می‌تواند نیمی از جمعیت دنیا را بکشد و این تصادفی نیست! ارتش ایالات متحده با بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری این تحقیق را پی‌ریزی کرد.

جنگ کوریا

چین در طول جنگ کوریا و بعد از آن شواهد بسیاری را ارائه کرد که نشان می‌دادند، ارتش ایالات متحده پاتوژن‌های بیولوژیک را هم علیه چینی‌ها و هم علیه مردم کوریای شمالی به کار برده بود. بیش از ۲۵ سرباز امریکائی زندانی بعد از جنگ صحت ادعای چینی‌ها را تأیید کردند. آنها از اطلاعات با جزئیات بیشتر و دقیق‌تری پرده برداشتند که با شواهد مربوط به سیاه زخم، حشرات متنوع مانند سوسک و کک‌حامل ویروس تب زرد و همچنین برگه‌های تبلیغاتی آلوده به میکرب وبا، که در سراسر منطقه شمال شرقی چین و تقریباً همه کوریای شمالی انتشار یافته بود، هماهنگی داشتند. دولت ایالات متحده فوراً، پرونده اتهام توطئه علیه سربازانی را تشکیل داد که دانسته‌های خود را در مورد این فعالیت غیرقانونی، به زبان آورده بودند. امریکا برای ساکت کردن آنها فشار زیادی وارد کرد و حتی وکلای مدافع سربازان را به مجازات‌های نامشخص تهدید کرد. ارتش ایالات متحده به عنوان آخرین تلاش جهت ساکت کردن اسرای جنگی سابق، به سیا متوسل شد تا آنها را با داروی بسیار خطرناک تازه کشف شده‌ای مورد «معالجه» سریع قرار دهد! این اقدام تلاشی بود برای پاک کردن حافظه سربازان از تمام خاطرات فعالیت‌شان در کوریا، که به معنای نابود کردن حافظه انسان در این روند بود.

گلوبال ریسرچ در ۷ سپتامبر ۲۰۱۵ مقاله‌ای به قلم دیوید سوانسون منتشر کرد. سوانسون در این مقاله جزئیاتی را درباره تلاش امریکائی‌ها برای جاری کردن سیل طاعون خیارکی در کوریای شمالی مطرح می‌کرد. مقاله این طور آغاز می‌شد: «این تقریباً ۶۳ سال پیش اتفاق افتاد، اما از آنجا که دولت ایالات متحده هرگز دست از دروغ‌گویی درباره آن برنداشته است، و اغلب این اتفاق تنها خارج از ایالات متحده شناخته شده است، من می‌خواهم با آن به عنوان یک خبر برخورد کنم.»

«کورتیس لی‌می» نه تنها هرچه در توان داشت به کار برد تا تمامی مردم کوریای شمالی را با بمباران تقریباً همه خانه‌های‌شان از بین ببرد، بلکه امروز شواهد غیرقابل انکار بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهند امریکائی‌ها، هم بر سر کوریای شمالی و هم بر سر چین حشرات و مواد آلوده به سیاه زخم، وبا، آنسفالیت (ورم مغز) و طاعون خیارکی را ریختند.^{۲۶}

لس‌آنجلس تایمز سپس در ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۲ مقاله‌ای منتشر کرد که موضوع آن پیرامون پزشکانی بود که هنوز بعد از بیش از بیست سال «تلاش می‌کنند تا از معمای هانتاویروس سر در آورند». پاتوژن مرگباری که در سال ۱۹۹۳ در ایالات

متحدہ شناسائی شد. در این مورد، ظاهراً ویروس تنها به سرخپوستان بومی حمله می‌کرد - آلودگی در یک منطقه محصور بین چهار ایالت بود- و ناگهان موجب اختلال تنفسی و اغلب در چند ساعت مرگ می‌شد. در گزارش‌ها آمده است که بیشتر قربانیان یک روز «احساس می‌کردند که حالشان خوب نیست»، و روز بعد می‌مردند. چیزی که به نظر می‌آمد پاتوژنی بسیار اسرارآمیز با منبعی غیرقابل شناسائی باشد. اما بعد، «یک سرخ اتفاقی» از طرف یک بیننده تلویزیون پیدا شد. پزشکی می‌گفت، به نظر او این بیماری بسیار شبیه چیزی است که در سال‌های ۱۹۵۰ در کوریا دیده و ناشی از ویروسی بوده که ارتش امریکا استفاده می‌کرد. آزمایش‌ها نشان داد که این نظر کاملاً درست بود، و بیماری فعلی ناشی از نوعی از همان هانتاویروسی است که در کوریا به سربازان حمله کرده بود.^{۲۷}

این ویروس توجه‌ها را جلب کرد چرا که بیشتر سربازان امریکائی که در کوریا تصادفاً در معرض آن قرار گرفته بودند، بسیار ناگهانی مردند. دو اطلاعات از گزارش‌های عمومی در آن زمان حذف شد: (۱) این ویروس به تعداد بسیار زیادی به شهروندان کوریای شمالی و چین حمله کرده بود؛ و (۲) هانتاویروس یکی از اقلام گنجینه سلاح‌های بیولوژیکی بود که امریکائی‌ها از دکتر ایشی و واحد ۷۳۱ او به ارث برده بودند. جاپانی‌ها سال‌های نوری از امریکائی‌ها و متحدین غربی در تحقیقات ویروسی پیش بودند و تا اواخر سال ۱۹۳۰ هانتاویروس مرگبار را پنهان کرده بودند. شواهد بسیاری وجود دارد که جاپانی‌ها از این ویروس علیه چینی‌ها استفاده کرده بودند و بعدها هم امریکائی‌ها علیه دو کشور چین و کوریای شمالی. به نظر می‌آید بخشی از مواد تسلیح‌شده از محفظه‌های خود بیرون آمده و سربازان امریکائی و کوریای جنوبی نیز در معرض این ویروس دست‌ساخته قرار گرفته باشند.

جنگ بیولوژیک ایالات متحده علیه کوبا

چندین دهه حمله خشونت‌بار علیه کوبا، یکی از برنامه‌های مشهور جنگ بیولوژیک انجام شده توسط ایالات متحده است که به خاطر طول عمر آن قابل توجه است، ارتش امریکا و سازمان سیا آنقدر از این نوع حمله‌های بیولوژیک علیه کوبا انجام داده‌اند که امروز موزه‌ای در شهر هاوانا، مدارک و شواهد بسیار قابل توجهی از سال‌ها حمله بیولوژیک علیه این کشور کوچک را به نمایش گذاشته است. جفری سنت‌کلر در مقاله‌ای از تعدادی از این موارد به قرار زیر یاد می‌کند:

«اولین مورد به ثبت رسیده از تب خوکی در نیم کره غربی، مربوط به کوبا در سال ۱۹۷۱ است، که در نتیجه آن ۵۰۰ هزار خوک وحشی (گراز) تلف شدند. کوبا ایالات متحده را به وارد کردن این ویروس به کشور متهم کرد و بعدها یک عامل سیا پذیرفت که وی این ویروس را به کوبائی‌های تبعیدی در پاناما تحویل داد تا آن را به داخل کوبا ببرند. خبر این اعتراف منتشر شد، اما رسانه‌های ایالات متحده بر آن چشم بستند. در سال ۱۹۸۱، فیدل کاسترو سیا را به خاطر شیوع تب دنگیو در کوبا مورد سرزنش قرار داد. این تب ۱۸۸ نفر از جمله ۸۸ کودک را کشت. در سال ۱۹۸۸، یک رهبر تبعیدیان کوبائی به نام ادواردو آروسینا اعتراف کرد که در سال ۱۹۸۰ مقداری میکرب وارد کوبا کرده بود. مورد دیگر مربوط است به شیوع تریپس پالمی (thrips palmi)، حشره‌ای که محصول سیب‌زمینی، درخت آلو و دیگر سبزیجات را از بین می‌برد. تریپس ابتداء در ۱۲ دسمبر ۱۹۹۶ در پی پرواز با ارتفاع پائین هواپیماهای اسپری‌کننده دولت امریکا در کوبا دیده شد. ایالات متحده موفق شد از تحقیقات ملل متحد درباره این حادثه جلوگیری نماید.

این‌ها تنها بخش کوچکی از حملات بیولوژیک امریکا علیه کوبا هستند. در سال ۱۹۷۹، واشنگتن‌پست گزارش‌هایی از برنامه قدیمی جنگ بیولوژیک علیه کشاورزی کوبا را که حداقل از سال ۱۹۶۲ توسط اداره جنگ‌های بیولوژیک سیا انجام می‌گرفت، منتشر کرد. ایالات متحده در سال ۱۹۸۰، فکر می‌کرد که یک عنصر بیولوژیک کشف کرده است که

می‌تواند نژاد روس را هدف قرار دهد و یک کشتی از فلوریدا با مأموریت «حمل مقداری از این میکرب به کوبا برای استفاده علیه شوروی‌ها» اعزام کرد. و حدود ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، دولت کوبا بار دیگر ایالات متحده را به استفاده از سلاح‌های بیولوژیک متهم کرد که پاتوژن‌های بیولوژیک را ضمن «پروازهای شناسایی» غیرقانونی روی مزارع کوبایی اسپری می‌کرده‌اند. همچنین با صراحت گزارش شده است که در زمان بحران راکتی کوبا، مقدار عظیمی از سلاح‌های کیمیائی و بیولوژیک در هواپیماهای نظامی آمریکا آماده استفاده علیه کوبا بارگیری شده بودند.

تلاش‌های جنگ بیولوژیک آمریکائی، شامل تعدادی از پاتوژن‌های ویروسی، سرطان‌ها و مواد کیمیائی علیه حداقل چند کشور آمریکای مرکزی و جنوبی انجام گرفته است. سنت کلر در مقاله خود به اپیدمی تب دنگیو، که از ماناگوئه در نیکاراگوئه ناگهان سربرآورد و موجب بیماری جدی بیش از پانصد هزار نفر و مرگ بسیاری از آنها شد، اشاره می‌کند. این حمله در طول جنگ سازمان سیا علیه دولت ساندنیست‌ها اتفاق افتاد و شیوع بیماری درست بعد از یک سری «پروازهای شناسایی» با ارتفاع پائین توسط آمریکائی‌ها بر فراز ماناگوئه آغاز شد.

همچنین منابع متعددی با اطمینان گزارش داده‌اند که ارتش ایالات متحده از هائیتی به عنوان نوعی آزمایشگاه بیولوژیک «برای همه فصول» استفاده می‌کرده است، و رسانه‌های ایالات متحده، در حالی که جمعیت محلی در معرض تقریباً هر چیز قابل تصویری بودند، به شدت مراقب بودند تا کمترین اطلاعاتی به بیرون درز نکنند و شرم‌آورتر رفتاری بود که با شهروندان هائیتی که مرتکب خطای «پناهجویی با قایق» می‌شدند، صورت می‌گرفت. یعنی کسانی که برای فرار از آزمایشگاه‌های پاتولوژی آمریکا، راه مهاجرت با قایق‌های کوچک به ایالات متحده را در پیش می‌گرفتند. دولت ایالات متحده بیشتر آنها را به پورتوریکو پس می‌فرستاد تا به عنوان خوک‌های گینه‌ای و موش‌های آزمایشگاهی استفاده شوند، جایی که دور از چشم کنگره و رسانه‌ها باشند و بنا بر گزارش‌ها، در اردوگاه‌هایی نگهداری شوند که روی آنها هر گونه «آزمایش علمی» که در وطن خود از آن فرار کرده بودند، انجام شود. حدود ۱۹۸۰، در یک مورد در بدن صدها مرد اهل هائیتی زندانی در این اردوگاه‌ها، بعد از تزریق مکرر هرمون‌های ناشناس توسط پزشکان ارتش ایالات متحده، سینه کامل زنانه رشد کرد. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که همین آزمایش روی افرادی که دور از چشم مردم در یک پایگاه نظامی در فلوریدا نگهداری می‌شدند، نیز انجام شد.

مورد دیگر، پیدا شدن عجیب کموبیش هم‌زمان سرطان بین رهبران کشورهای آمریکای جنوبی به اضافه کوبا است. که در همه موارد از اتفاق، آلودگی مربوط به رهبران کشورهای هائیتی بود که پیش‌تر مورد نفرت ایالات متحده قرار داشتند و برای برکناری‌شان از قدرت از راه‌های گوناگون تلاش شده بود. برای نمونه می‌شود از هوگو چاوز رئیس‌جمهور ونزوئلا، رئیس‌جمهور ارجنتاین کریستینا فرناندز دوکریشنر، دیلما روسف رئیس‌جمهور سابق برزیل، فرناندو لوگو پاراگوئه و رئیس‌جمهور پیشین برزیل لونیس ایناسیو لولا داسیلوا نام برد. رئیس‌جمهور پیشین برزیل درباره این سرطان‌ها در مصاحبه‌ای گفت: «حتی با قانون احتمالات، توضیح چیزی که برای رهبران آمریکای لاتین اتفاق افتاده، بسیار سخت است. حداقل بسیار عجیب است، بسیار عجیب.»

همکاری مخفیانه جاپان و ایالات متحده آمریکا در جنگ جهانی دوم

وقتی جاپانی‌ها در سال ۱۹۳۲ به شمال شرق چین حمله کردند، دکتر «شیرو ایشی» برنامه رسوای آزمایشات بیولوژیک جنگی خود را در منطقه‌ای نزدیک به هاربین، تحت پوشش یک واحد تصفیه آب شروع کرد که بعدها واحد ۷۳۱ نام گرفت. او کار خود را با انواع گازهای سمی شامل گاز خردل آغاز کرد و سپس پنبه و سبوس برنج آلوده به طاعون خیارکی را با هواپیما در مناطق مرکزی چین پخش کرد. واحد او چینی‌هایی را که در برابر اشغال جاپانی‌ها

مقاومت می‌کردند، برای انجام خشونت‌بار کالبدشکافی زنده استفاده می‌کردند. نیویورک تایمز نمونه‌ای از توضیحات یک پزشک جاپانی از آزمایشاتش را از زبان خود او گزارش کرد :

«من از سینه تا شکم او را بریدم و او به شکل وحشتناکی فریاد می‌زد و صورتش یک پارچه درد و عذاب بود. صداهای غیرقابل تصویری درآورد. و همچنان به شکل وحشتناکی نعره می‌زد. اما بالاخره ساکت شد. این تمام یک روز کاری من برای جراحی بود، اما واقعاً روی من تأثیر گذاشت برای این که اولین بارم بود.»^{۲۹}

ایشی ابتداء از اعضای تیمش می‌خواست که قربانیان را با سیاه‌زخم، وبا، حصبه، کزار، اسهال، سفلیس، طاعون خیارکی و دیگر پاتوژن‌ها آلوده کنند، بعد برای بررسی نتایج، زمانی که هنوز زنده هستند کالبدشکافی نمایند و در آخر شواهد را بسوزانند. بخش جراحی عمومی ارتش ایالات متحده تعداد چینی‌های کشته شده در نتیجه جنایاتی را که برخی از برجسته‌ترین پزشکان جاپانی مرتکب شدند، ۵۸۰ هزار نفر تخمین زد.^{۳۰}

در پایان جنگ، زمانی که دیگر معلوم بود که جاپان بازنده آن خواهد بود و باید خاک چین را تخلیه نماید، ایشی دستور داد تا تمامی چینی‌های زندانی باقی‌مانده را بکشند و جسد آنها را آتش بزنند. سپس برای از بین بردن هرگونه اثری از آزمایش‌هایش تمامی واحد ۷۳۱ را با مواد منفجره نابود نمایند. همان‌موقع، جنرال داگلاس مک‌آرتور، فرمانده نیروهای انتلاف در جاپان، یک معامله پنهانی با ایشی و تمام کارکنان واحد ۷۳۱ انجام داد. طبق این معامله، امریکا در مقابل لاپوشانی کامل همه شواهد این فعالیت‌ها و تضمین مصونیت آنها از پیگیری قانونی جنایات جنگی، همه گزارشات آزمایش‌های جنگ بیولوژیک و کالبدشکافی‌های افراد زنده را جهت مطالعه به ارتش امریکا انتقال داد.^{۳۱}

ایشی تنها در یک مورد بیش از ده‌هزار صفحه از «یافته پژوهش‌ها»ی خود را به ارتش امریکا تحویل داد. بعد از این، امریکایی‌ها کتاب‌های تاریخ جاپان را چنان بازنویسی کردند که نه جاپانی‌ها و نه مردم سراسر جهان از بربریت گسترده اعمال شده در چین خبری نداشته باشند؛ و نیز از این که، ارتش امریکا بیشتر متخصصان و افراد وارد به روش‌های انجام آزمایش سلاح‌های کیمیائی و بیولوژیک روی انسان را استخدام کرد تا بعدها وسیعاً در کوریا و ویتنام و حتی داخل امریکا استفاده نماید.

مک آرتور در ۶ ماه می ۱۹۴۷ به واشنگتن نوشت، «احتمالاً باید به جاپانی‌های مسؤول در این بخش گفته شود که از اطلاعات بیشتر و برخی گزارش‌های ایشی در کانال‌های اطلاعاتی حفاظت خواهد شد و هرگز به عنوان شواهد «جنایات جنگی» به کار نخواهند رفت.» تعدادی از جاپانی‌ها توسط نیروهای شوروی به خاطر جنایات بیولوژیک علیه روس‌ها، دستگیر شدند و در دادگاه جنایات جنگی خاباروسک در ۱۹۴۹ محاکمه شدند، با این وجود، امریکایی‌ها برای لاپوشانی نقش خود در این جنایات، همه شهادت قربانیان نجات‌یافته را رد کردند و دادگاه جنایات جنگی جاپان را «یک پروپاگاندای کمونیستی» خواندند.^{۳۲ و ۳۳}

نه تنها دولت و ارتش ایالات متحده برای دکتر ایشی و همکاران او مصونیت کامل از پیگردهای قانونی فراهم کردند، بلکه تمامی این گروه را به امریکا بردند و مخفیانه در پایگاه‌های نظامی ایالات متحده جای دادند و همگی را در لیست حقوق‌بگیران ارتش امریکا وارد کردند. ایشی برای سال‌ها بارها سخنان مهمان در دانشکده جنگ بیولوژیک ارتش ایالات متحده در فورت دتریک بود و تا زمان مرگش، چندین دهه یک پست پردرآمد به عنوان استاد تمام و ناظر تحقیقات بیولوژیک در دانشگاه مریلند به وی داده شده بود. تنها در سال ۱۹۹۵ بود که ارتش ایالات متحده پذیرفت که در مقابل دریافت نتیجه تحقیقات سلاح‌های بیولوژیک و آزمایش‌های انسانی، به دانشمندان و پزشکان جاپانی مصونیت قانونی، هویت محرمانه، شغل‌های خوب با حقوق‌های بالا عرضه کرده است. این افراد نه تنها در ارتش، بلکه در

«سی‌دی‌سی» (مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها)، وزارت خارجه، دیارتمان اطلاعات نظامی، سازمان سیا، و وزارت کشاورزی ایالت متحده، همگی برای کار روی «پروژه‌های محرمانه دولت» استخدام شدند.

فصل ختام

رهبران سیاسی و نظامی ایالات متحده و نیز مقامات سیا، از همان اولین روزهای آزمایش‌های سلاح‌های بیولوژیک، در پی پنهان کردن علاقه خود برای گسترش روش‌های آلوده کردن افراد به سرطان، به عنوانی روشی با قابلیت انکار عالی برای خلاص شدن از دست رهبران کشورهای که دوست‌شان ندارند، نبودند. کارنامه ایالات متحده با داشتن سابقه ترور ۱۵۰ رهبر سیاسی در کشورهای دیگر گواهی بر این مدعاست.

جذابیت سلاح‌های بیولوژیک نه تنها در کارائی‌بالای آنها برای قتل عام، بلکه در مقایسه جنگ با سلاح‌های شلیک‌کننده، کاملاً مقرون به صرفه است. همچنین، سلاح‌های ژنتیک را می‌توان به اشکال مختلف با استفاده از حشرات آلوده به ویروس‌ها یا باکتری‌ها، و یا پیوند زدن به بذرهای دستکاری ژنتیکی شده، پخش کرد. کشف و شناسائی این سلاح‌ها، و یافتن درمان یا واکسین برایشان، اغلب نیاز به سال‌ها زمان دارد.

دکتر لئونارد هورویتز، افشاگر مشهور صنایع داروسازی، به نقل از متخصصی که برای حمله بیولوژیک برنامهریزی می‌کرد، می‌گوید، «با زیرکی ظریفی می‌شود آن را به شیوع طبیعی یک بیماری شبیه ساخت. این باعث تأخیر در یافتن پاسخ به بیماری، و مانع روند تصمیم‌گیری می‌شود. حتی اگر به ترور بیولوژیک مشکوک باشید، به سختی قادر به اثبات آن خواهید بود. به همان اندازه، رد کردن آن هم دشوار است... شما می‌توانید انتقال اسلحه را ردگیری کنید، اما ردگیری اصل یک ویروس که یک حشره حامل آن باشد تقریباً غیرممکن است.»

نویسنده دیگری یادآور می‌شود که انتشار کاملاً حساب شده یک عامل آلوده، تشخیص و درمان را دشوار می‌سازد، به اضافه این که چون این نوع سلاح‌های بیولوژیک قابل ردگیری به سرچشمه‌شان نیستند، می‌تواند به عنوان «کار خدا» محسوب شود.

به نظر می‌آید بسیاری از بیماری‌های اخیراً شایع شده، احتمالاً منشأ سلاح بیولوژیک داشته باشند: ایدز، سارس، مرس، آنفلوآنزای مرغی، آنفلوآنزای خوک، هانتا ویروس، بیماری لایم، ویروس نیل غربی، ابولا، فلج (سوریه)، بیماری پا و دهان، سندروم جنگ خلیج و زیکا.

رسانه‌های غول‌پیکر غربی تمامی این‌ها را نادیده می‌گیرند، این بخش تاریخ را سانسور می‌کنند، و حتی در اینترنت با «گوگل» و «بینگ» راه را برای یافتن این حقایق مسدود می‌نمایند. یک بار دیگر، آزادی بیان به طور کامل بستگی به کسانی دارد که بلندگوها را کنترل می‌کنند.

*این عنوان توسط مترجم بر این مجموعه گذاشته شده و بقیه عناوین متعلق به نویسنده مقاله است.

منابع نویسنده

26. www.globalresearch.ca/u-s-drops-fleas-with-bubonic-plague-on-north-korea/5474089

27. www.latimes.com/archives/la-xpm-2012-sep-10-la-me-hantavirus-mystery-20120911-story.html

28. www.counterpunch.org/2013/09/03/germ-war-the-us-record-2/

29. www.nytimes.com/1995/03/18/opinion/the-crimes-of-unit-731.html

30. www.cs.amedd.army.mil/borden/Portlet.aspx?ID=66cffe45-c1b8-4453-91e0-9275007fd157
31. ahrp.org/conspiracy-of-denial-complicity-of-u-s-government-in-japans-fabricated-history-decades-of-willful-national-amnesia/
32. medium.com/@jeff_kaye/department-of-justice-official-releases-letter-admitting-u-s-amnesty-of-unit-731-war-criminals-9b7da41d8982
33. www.latimes.com/archives/la-xpm-1988-12-18-me-1014-story.html

لاری رومانوف، گلوبال ریسرچ، ۷، ۱۰ و ۱۱ فبروری ۲۰۲۰
دانش و امید، شماره ۶، تیر [سرطان] ۱۴۰۰